



صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار

معاون ضماطم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: مهلا داریان

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
صفحه آرایی: مجید اصغری
عکس: محمد فراهانی، مهر داد شریفی

و با تشکر ویژه از دیگر همکاران موسسه همشهری

چاپ:

همشهری

پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:

۱۹۳۹۵/۵۴۴۶

تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

همشهری

گروه ضماطم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، فرسیده به پارک‌وی،
کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری



فرش زیگلو و ردپای خانواده «امیل» در سلطان آباد

ماجرای یک خانواده سوئیسی

لیلا باقری / روزنامه‌نگار

خریداران فرش‌های سنتی را می‌پسندیدند و برای همین تعداد کمی از فرش‌های «نیلوفر سفید» باقی مانده است.

اما سرنوشت شوم کمپانی...

زیگلر گرچه احتمالاً با استثمار بافندگان آنها را ترغیب به تولید فرش‌های ارزان کرد اما در معرفی فرش ایرانی به دنیای غرب هم بی‌تأثیر نبود. او با وجود موفقیت در سال‌های اول، بالاخره به سد مشکلات جهانی در کشوری خاورمیانه‌ای خورد. جنگ جهانی اول ضربه‌ای شدید به کسب‌وکار او زد. نیروهای روسی و آلمانی اموال زیگلر را غارت کردند و مشکلات حمل‌ونقل و ناامنی راه‌ها، کار را برای این شرکت دشوارتر کرد تا در نهایت، سال ۱۹۳۴، کمپانی ورشکسته شد. خانواده امیل آلپیگر از سلطان آباد می‌روند و فردی به نام حاج وکیل یکی از خانه‌های آنها را می‌خرد؛ بخشی از مجموعه بناهای این کمپانی و بقیه مجموعه کم‌کم زیرساخت‌ها و سازه‌های جدید مدفون می‌شود. حالا عمارت حاج وکیل یا کلاه فرنگی ثبت آثار ملی ایران و موزه صنایع دستی و هنرهای سنتی است.

از این کمپانی و خانواده امیل جز همین عمارت و چند عکس چیزی نمانده و البته فرش‌های زیگلر که به خاطر طرح‌های خاصش در بازارهای جهانی شناخته شده‌اند و منبع الهامی برای طراحان متعددی است.

کارگاه فرش بافی تأسیس کرد، برای شرکتی در آلمان. او چند سال بعد یک استادکار ایرانی را همراه خانواده به شهری در آلمان فرستاد تا به زنان محلی هنر فرش بافی را آموزش دهد. تولید که در مافردورف رونق یافت، کارگاه در سلطان آباد از کار افتاد. بعد فردی به نام جوزف بروگلی وارد شد، مدیر کمپانی زیگلر که در ایران مشغول تجارت پنبه، تریاک و ابریشم بود و کارگاه را از این شرکت خرید و اینجاست که پای خانواده امیل آلپیگر سوئیسی، به عنوان مدیر کارخانه فرش بافی به سلطان آباد باز شد. این خانواده در دل کوچه‌های سلطان آباد، با امید به دستاوردن توانگر زنان بافنده این دیار می‌گشتند و نمی‌دانستند که این، آغاز یک پایان است...

کار مهم زیگلر تأسیس کارخانه رنگرزی بود. تا قبل از آن بافنده‌ها خودشان خامه‌های قالی را رنگ می‌کردند و گاه بی‌کیفیت می‌شد اما رنگرزی این مشکل را حل کرد و در اراک هنوز هم خیابانی به نام رنگرزا از آن زمان به یادگار مانده است. ابتکار دیگر زیگلر طراحی فرش با اندازه و طرح باب طبع اروپایی‌ها بود.

فرش‌های خاص زیگلر با طرح‌های جدید معمولاً در ابعاد ۳ در ۴ متر بافته می‌شدند و برخی روایات می‌گویند فرش‌ها با زمینه سفید و طرح‌های آرام و شاعرانه که حالا بسیار مورد توجه و مشهورند، در زمان خود چندان تحسین نمی‌شدند.

«امیل آلپیگر» نامی است که بین مجموعه عکس‌های قدیمی توجه‌ام را جلب می‌کند. آنتوان سوروگین عکاس و فردی ناشناس، احتمالاً از اعضای این خانواده، عکس‌های متعددی برداشتند از نمای سلطان آباد، کوه سپیدخانی و زمینی خالی و خانه‌ای به سبک اروپایی با این عنوان؛ خانه ما، زمین ما، کمپانی ما... و شوق این «ما»، چنان است عکس‌های سیاه و سفید قدیمی هم آن را فریاد می‌کشند؛ خانواده‌ای با سری پرسودا به سلطان آباد دوره ناصری آمده‌اند و کارگاه رنگرزی راه انداختند و البته عمارتی که عکس بعد از ساختش می‌گوید همین قلعه حاج وکیل یا عمارت کلاه فرنگی اراک است... بیشتر که می‌گردم، ردپای این خانواده را بین تاروپود قالی‌های سلطان آباد پیدا می‌کنم.

سلطان آباد، شهری که یوسف خان گرجی به دستور فتحعلی شاه در منطقه‌ای خوش منظره و روی خرابه‌های یک ده، به شیوه‌ای مدرن ساخت تا نمونه موفق شهرسازی دوران قاجار شود. بعد هم نه تنها اهالی قریه‌های اطراف به این شهر جدید بیایند که یک آلمانی هم فرصت را برای بهره‌بردن از هنر قالی بافی این دیار غنیمت بشمرد؛ رایخرت آلمانی که یک

اسرار شهرهای زیرزمینی خمین

دستکندهای شهرستان خمین مربوط به دوره‌های سلجوقیان و ایلخانیان، از مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین جاذبه‌های باستانی کشور به شمار می‌روند. این شهرهای زیرزمینی که در دل زمین با استفاده از ابزارهای ابتدایی و بدون هیچ‌گونه مصالح ساختمانی ساخته شده‌اند، در روستاهای مختلف این شهرستان مانند تهیق، کندها، دانیان، آشناخور و طیب‌آباد کشف شده‌اند. این دستکندها به عنوان پناهگاه‌هایی در برابر تهدیدات سیاسی و اجتماعی، برای محافظت از جان ساکنان و ذخیره مواد غذایی و منابع آب طراحی شده بودند. شواهد نشان می‌دهد که جمعیت این شهرهای زیرزمینی به‌طور دسته‌جمعی از این مکان‌ها مهاجرت کرده‌اند. برخی از این دستکندها دارای سالن‌ها و راهروهای بزرگ است و در آنها مکان‌های ویژه‌ای برای اجتماعات، زندگی خانوادگی و عبادت طراحی شده است. این دستکندها شامل دالان‌ها و اتاق‌های متعددی هستند که به صورت تنگ و پیچ‌درپیچ طراحی شده‌اند. این فضاها برای زندگی مسکونی، نگهداری احشام، ذخیره مواد غذایی و آبنبارها تقسیم‌بندی شده‌اند. از نکات جالب این شهرهای زیرزمینی هواکش‌هایی است که برای تهویه هوای فضاها طراحی شده‌اند.

در کاوش‌های انجام شده، اشیای تاریخی مانند سفالینه‌ها، ظروف فلزی و سکه‌های متعلق به دوران سلجوقیان و ایلخانیان پیدا شده‌است و برخی ظروف دارای نمایه‌هایی از خورشید و چهره‌های مغولی هستند. در برخی اتاق‌ها چاه آب وجود دارد. همچنین اسکلت‌های سوخته‌ای از افراد در این دستکندها کشف شده است.

دسترسی و بازدید: دستکندهای خمین به‌ویژه در روستای تهیق و دیگر روستاهای شهرستان خمین واقع شده‌اند. برای بازدید از این مکان‌ها باید به شهرستان خمین و سپس به مناطق روستایی سفر کرد. راهنمایان محلی می‌توانند در این مسیر کمک‌کننده باشند. در حال حاضر برخی از دستکندها با اقدامات حفاظتی به‌طور محدود در دسترس گردشگران قرار دارند و امکان بازدید از این جاذبه‌های تاریخی به‌صورت محدود فراهم است.



عکس: شهر زیرزمینی خمین

